

عنوان مقاله:

مقایسه شیوه های مرسوم ارزیابی پروژه با شیوه های ارزیابی مشارکتی

نویسنده:

محمود مرادی

مدیر عامل مؤسسه کوشا سبز پایدار (کوپا)

و

مشاور ارشد تحقیقات و پروژه های مشارکتی محیط زیست و منابع طبیعی

پست الکترونیکی: mamoradi88@yahoo.com

همراه: ۰۹۱۶۳۶۰۱۹۸۹

چکیده:

مقدمه:

هر برنامه یا طرح با هدف رفع تنگناها و بهبود شرایط زندگی جامعه اجرا می شود و این جامعه است که بیشترین تأثیرات را از نتایج طرح ها و برنامه می پذیرد. از آنجایی که ارزیابی بخشی از فرایند هر برنامه یا طرح است لذا شیوه ها و ابزارهای ارزیابی باید به گونه ای باشد که بتواند واقعیت ها را توضیح دهد و این که واقعیت را چه کسی محاسبه کند مهم است.

هدف:

مقایسه شیوه های مرسوم ارزیابی با شیوه های مشارکتی در پروژه های توسعه ای

روش:

این مقاله از نوع تحلیلی است که به روش اسنادی و با استفاده از منابع نظری و تجربی تدوین گردیده است.

نتایج:

از مقایسه این دو شیوه می توان نتیجه گرفت که شیوه های ارزیابی از ابتدا تا کنون چهار مرحله تکاملی را طی کرده یعنی از ارزیابی به معنای سنجش پیشرفت های فیزیکی صرف و از بیرون و کارشناس محور تا ارزیابی به معنای شیوه ای مشارکتی، کل نگر و انعطاف پذیر تکامل یافته است تا جایی که امروزه ارزیابی را ابزار تحلیل توسعه پایدار می دانند.

همچنین با توجه به مشارکتی بودن (دخالت همه ذینفعان و ذیربطان در برنامه) کل نگر، انعطاف پذیر بودن و نسبت مستقیم با توسعه پایدار، شیوه های ارزیابی مشارکتی مناسب تر، کارآمدتر و ماندگارتر است. از سویی دیگر برای کاربرد و نهادینه کردن شیوه های ارزیابی مشارکتی، نیازمند هم اندیشی سازمان های دولتی، دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و سازمان های مردم نهاد در قالب همایش ها، جلسات مداوم، کارگاه های آموزشی و رسیدن به دیدگاه های فرا رشته ای و رفع موانع حقوقی و اقدامات عملی هستیم.

واژه های کلیدی:

ارزیابی های مرسوم، ارزیابی های مشارکتی، تأثیرات اجتماعی، توسعه، توسعه پایدار

مقدمه:

هر برنامه یا پروژه با هدف رفع تنگناها و بهبود شرایط زندگی جامعه اجرا می شود و این جامعه است که بیشترین تأثیرات را از نتایج برنامه ها، طرح ها و اقدامات توسعه ای می پذیرد از آنجا که ارزیابی بخشی از فرآیند هر طرح یا برنامه است، لذا شیوه های ارزیابی باید به گونه ای باشد که واقعیت ها را توضیح دهد و این که چه کسی واقعیت ها را محاسبه می کند مهم است.

این مقاله از نوع تحلیلی است یعنی به روش اسنادی و با استفاده از منابع نظری و تجربی در خصوص شیوه های ارزیابی و تحول در مفهوم و روشهای آن در چند دهه اخیر تدوین گردید.

هدف آن مقایسه شیوه های ارزیابی مرسوم با شیوه های مشارکتی ارزیابی در برآورد پیامدها و تأثیرات برنامه ها و اقدامات توسعه ای است و بیان کاستی ها و نارسایی های ارزیابی های مرسوم در برآورد پیامدهای انسانی و محیط زیستی پروژه ها و در نتیجه ضرورت حرکت به سوی کاربرد و نهادی کردن رهیافت های مشارکتی در برآورد نتایج اقدامات و برنامه هاست. همچنین اینکه شیوه های ارزیابی مشارکتی به عنوان نظامی کل نگر و انعطاف پذیر که همه ذیربطان و ذینفعان طرح ها در آن دخالت دارند بیشترین نسبت و هماهنگی را با توسعه پایدار دارند.

ضمناً دستیابی به شیوه ها و ابزارهای ارزیابی مشارکتی با چالش های نظری و حقوقی یا تکنیکی روبروست ضرورت تعامل و هم اندیشی سازمان های دولتی، مراکز تحقیقاتی، دانشگاه ها، سازمان های مردم نهاد در قالب جلسات منظم، همایش ها، کارگاه های آموزشی برای رفع این چالش ها و رسیدن به دیدگاه های فرا رشته ای و یک برنامه جامع در سطح ملی تأکید شده است.

مفهوم ارزیابی و چهار دوره تکامل در نظام ارزیابی پروژه ها:

ارزیابی بخشی از فرآیند برنامه ها و طرح هاست. البته باید بین ارزشیابی و ارزیابی تفاوت قائل شد. اگرچه مرز بین آنها گاهی مخدوش است و در بسیاری جاها به یک معنا بکار می روند (مرادی، ۱۳۸۹). ارزشیابی یک قضاوت درباره طرح ها و برنامه با توجه به اهداف است اما ارزشیابی بیشتر بر پایه «چه هست و چه نیست» استوار است یعنی در ارزیابی قابلیت ها و محدودیت ها و اساساً پیامدهای منفی و مثبت با هم دیده می شوند و جنبه برآوردی آن غالب است اما ارزشیابی با توجه به اهداف کلی و کیفیت سنجی اجرا و نزدیکی به اهداف صورت می گیرد. به عبارتی ارزشیابی داوری از عملکردها با توجه به استانداردهای پیش بینی شده است (بهزادی نسب، ۱۳۸۶، ۱۶۳) شاید بتوان گفت ارزیابی یک اقدام پیشینی و ضمن اجرا اما ارزشیابی یک اقدام پسینی و پایانی است. گرچه در کشورهای پیشرفته ارزیابی سابقه ای طولانی دارد اما در جهان سوم از جمله کشورمان همزمان صرف نظر از

چند و چون آن با اجرای برنامه های توسعه در دهه پنجاه میلادی نیز بخشی از فرآیندهای آن بوده است (مرادی؛ ۹۴، ۱۳۸۳).

نظام ارزشیابی از ابتدا تا کنون چهار دوره یا چهار نسل تکاملی را طی کرده است (کسوبا و لینکلن، ۶۳، ۱۹۹۸).

نسل اول با سنت پژوهشی - آموزشی و مدیریت علمی در تجارت و صنعت همراه است. طی این دوره برای پیدا کردن پر بازده ترین روشها و کارا تر کردن محیط های کاری به طور عمومی آزمون هایی به کار گرفته می شد. معمولاً در این ارزیابی ها ارزیاب به دلیل ایجاد و بکارگیری ارزشیابی دارای نقش فنی بود.

نسل دوم ارزیابی بر توصیف تمرکز بیشتری داشت و به ارزشیابی طرح منجر می شد. این سنت ارزیابی به دستیابی به اهداف تاکید داشت.

نسل سوم در برگیرنده عنصر قضاوت به عنوان یک بخش از ارزیابی بود یعنی به پرسش گرفتن اهداف طرح . از این رو اهداف و نه صرفاً عملکرد آن موضوع ارزیابی بود. خصوصیت ویژه این نسل ، توسعه معیارهای قضاوت است. در نتیجه ارزیابان می توانند نقشی داوران را برعهده گیرند و کارفرمایان طرح را در تعیین معیارها یاری دهند.

نسل چهارم آخرین مرحله تکاملی ارزشیابی تا به امروز است (موسوی؛ ۱۳۸۶: ۳۲) در نسل چهارم بر ارزشیابی به عنوان نوعی فرایند مذاکره و همکاری میان تمام طرف های ذیربط و ذینفع تاکید می شود. نسل چهارم ارزشیابی عقاید مورد توافق یا متعارض طرف های پروژه و علائق و موضوعات آنها را مورد توجه قرار می دهد و تصدیق می کند که دیدگاه های مردم اغلب در نظام های ارزشی آنها شکل می گیرد. این نظام های ارزشی خود تحت تأثیر زمینه های روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند.

نسل چهارم ارزشیابی کمک می کند که طرز عمل طرفهای ذیربط بوسیله گفتگو و مذاکره شناسایی شوند (همان). با تأمل بر روند تکامل نظام ارزیابی یعنی از ارزشیابی فنی - تخصصی صرف و از بیرون تا ارزشیابی مشارکتی و کل نگر به خوبی پیداست که نظام ارزیابی همگام با مفهوم توسعه، یعنی از توسعه به معنای ایجاد و گسترش امور زیربنایی و فیزیکی (دهه پنجاه میلادی) مانند راه، بیمارستان، سد، بندر و... تا امروزه یعنی توسعه به مثابه آزادی تکامل یافته است.

همین روند، ارزشیابی برآورد پیامدهای اجتماعی را در درون طرح های توسعه پایدار جا می دهد و رکنی اساسی از فرآیند توسعه پایدار در سراسر جهان است. برآورد پیامدهای اجتماعی چیزی فراتر از پیش بینی های منفی انجام می دهد. برآورد پیامدها فلسفه ای راجع به توسعه دموکراسی است که آسیب های توسعه (پیامدهای منفی)

اهداف توسعه (کاهش فقر) و فرآیند توسعه (مشارکت مردم، ظرفیت سازی) را مد نظر قرار می دهد (جلیلی؛ ۱۳۸۸، ۱۸).

این برداشت جدید از برآورد پیامدهای اجتماعی به شکل فشرده در تعریف فرانک و انکلی آمده است: برآورد پیامدهای اجتماعی فرآیند تحلیل (پیش بینی، برآورد و بازانديشي) و مدیریت عواقب خواسته و ناخواسته مداخلات برنامه ریزی شده (سیاست، برنامه، طرح ها و پروژه ها) برای محیط انسانی و هرگونه فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از مداخلات است به نحوی که محیط انسانی و زیستی- فیزیکی پایدارتر و عادلانه تری پدید آورد (همان، ۱۸).

نظام ارزیابی پیامدهای اجتماعی همانند بسیاری پدیده ها خاستگاهی غربی دارد (همان، ۲۶) طبیعی است که با توجه به فردگرایی در فرهنگ غرب تأکیدش بر حفظ مالکیت فردی بود. دیگر اینکه در ابتدا بیشتر بر پیامدهای منفی متمرکز شده بود و تأثیرات اجتماعی پروژه ها در موضوع مسائل جمعیت شناختی خلاصه می شد (جلیلی؛ ۱۳۸۸، ۱۸) اما امروزه این نظام در جهان سوم کاربرد فراوان دارد و بر ارزش هایی مانند توانمندسازی مردم، ارتقای موقعیت زنان، کاهش فقر، عدالت اجتماعی، مشارکت گروهها در حاشیه و لحاظ شدن دانش بومی تأکید دارد (همان).

تفاوت های ارزیابی های مرسوم و ارزیابی های مشارکتی

ارزیابی های مشارکتی	ارزیابی های مرسوم
اعضای اجتماع، کارکنان پروژه، تسهیلگر	چه کسانی ارزیابی می کنند؟ کارشناسان
مردم معرف های خویش را در زمینه موقعیت شناسایی می کنند	معرف ها از پیش تعیین شده است
خود-ارزشیابی، روش های ساده و منطبق با فرهنگ محلی، اشتراک عمومی در نتایج به واسطه دخالت محلی در فرایندهای ارزیابی	تمرکز بر بی طرفی علمی، فاصله ارزیابان از مشارکت کنندگان، رویه یکسان و پیچیده دستیابی توأم با تاخیر و محدود به نتایج
ارزیابی پیش از اجرا، ارزیابی های در مقیاس کوچک به شکل مستمر	معمولاً همزمان با اجرای پروژه یا طرح و بعضی اوقات نیز در اواسط اجرای این فعالیتها
توانمندی ساکنان محلی در راه اندازی، نظارت و انجام اقدامات اصلاحی	پاسخگویی توأم با قابلیت جمع بندی برای تعیین ادامه سرمایه گذاری
دانش بومی گروههای محلی در فرایند ارزشیابی بکار گرفته می شود موضوعات مهمی هست که در کتاب ها نیامده است و در مغز و زبان مردم است.	دانش واقعی در انحصار کارشناسان و مجریان پروژه است
رابطه افقی است و همه ذیربطان و ذینفعان از فرصت کافی برای بیان و اقدام برخوردارند	روابط مجریان و کارشناسان با گروههای محلی غالباً عمودی و بالا به پایین است
تعارض و تنش ها نمایان می شود و در سایه گفتگو و مذاکره توافق ها و زمینه های همکاری آشکار می گردد	کارشناسان بی خبر از تنش های محلی اقدام به اجرای پروژه می نمایند که ممکن است پروژه نیمه کاره رها شود
منافع، اولویت ها و نیازهای گروههای مختلف لحاظ می شود.	ممکن است نیازها و دغدغه های گروه های مختلف به ویژه

نتایج و پیشنهادات :

۱. دستیابی به شیوه های ارزیابی مشارکتی کل نگر و انعطاف پذیر برآورد برنامه ها و پروژه ها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است زیرا ابعاد اقتصادی اجتماعی فرهنگی جنسیتی و محیط زیست زندگی مردم آنچنان درهم تنیده و دارای روابط پیچیده متقابل و مؤثر بر همدیگرند که در عرصه زندگی واقعی کمتر تفکیک پذیرند.
۲. تجارب خیلی از طرح ها و برنامه ها بیانگر بسیاری از پیامدهای ناخواسته منفی در پروژه ها و برنامه ها و اقدامات توسعه ای بوده است به طوری که نتایج بارآمده با اهداف اولیه در تضاد است و این ناشی از بخشی نگری سازمان ها، رابطه عمودی کارشناسان با مردم ملی و لحاظ نشدن دیدگاه های این مردم در فرایند برنامه ریزی اجرا و نظارت و ارزیابی و در کل فقدان شیوه های ارزیابی مشارکتی کل نگر و انعطاف پذیر بوده است.
۳. امروزه همراه با ضرورت پایداری توسعه که بر ارزش هایی مانند ارتقاء قابلیت های انسانی، بهبود کیفیت زندگی، کاهش فقر، حفظ محیط زیست، استفاده بهینه از منابع و... تاکید می شود. ضرورت به کار بستن شیوه های ارزیابی مشارکتی کل نگر و انعطاف پذیر و این که چه کسانی واقعیت ها را محاسبه کنند مهم است.
۴. بخشی نگری باید جای خود را به مدیریت یکپارچه و جامع پروژه ها داده و این مستلزم هم اندیشی سازمان های دولتی، مراکز دانشگاهی، سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی برای رفع موانع قانونی و حقوقی و گفتگو و مذاکره برای دستیابی و هماهنگی بیشتر در دانش و روش و کنش است.

منابع:

- ۱- استرلا، ماریسون، (۱۳۸۶) ترجمه زرنگار حمیدرضا. چه کسی واقعیت را محاسبه می کند؟ تهران، خلیلیان.
- ۲- بری، جان، ترجمه پویان. حسن و توکلی منیره (۱۳۸۰) محیط زیست و نظریه اجتماعی: تهران، سازمان حفاظت محیط زیست ایران.
- ۳- بگر، هنگ و ونلکی، فرانک. ترجمه: جلیلی، هادی. (۱۳۸۸) راهنمای بین المللی برآود پیامدهای اجتماعی: تهران، جامعه شناسان و معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- ۴- بهزاد نسب، جانعلی. (۱۳۸۶) فرهنگ جامع توسعه روستایی: تهران، قلمستان هنر،
- ۵- پناهی، مصطفی. (۱۳۸۱) تنوع زیستی و دانش سنتی: تهران، روناس.
- ۶- خاتون آبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). جنبه هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش): تهران، جهاد دانشگاهی،.
- ۷- روچ، کریس. ترجمه: چاوشیان، حسن (۱۳۸۷) ارزیابی تأثیر پروژه: تهران، اختران.
- ۸- کاشانی، علیرضا. (۱۳۸۲) خودسنجی ابعاد مشارکتی نظارت و ارزیابی پروژه: تهران، فرازان.
- ۹- کلیتون، اندرو و دیگران. ترجمه: کاشانی، علیرضا، (۱۳۸۳) توانمندسازی مردم؛ راهنمایی برای مشارکت: تهران، سروستان.

منابع لاتین:

- 1- world bank. 1992. Effective implementation. Key to development impact of the portfolio management task force. Washington D.C.U.S.A.
- 2- www.iAiA.org ۲۰۱۳